

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

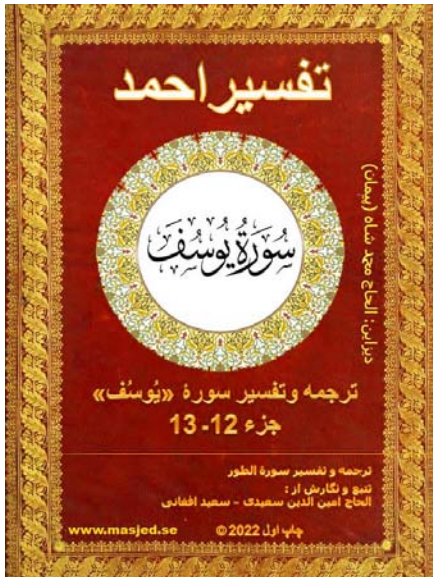
الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۳۱ جنوری ۲۰۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه و تفسیر سوره «یوسف» - (۱)

جزء ۱۲-۱۳



سوره «یوسف» در مکه مکرمه نازل شده، دارای یک صد و یازده آیت و دوازده رکوع می‌باشد.

وجه تسمیه:

علت نامگذاری این سوره به سوره «یوسف»، آیاتی از آیت چهار به بعد است که اغلب در باره زندگی و حیات حضرت یوسف علیه السلام بحث می‌کند.

قابل یادآوری است که در بیشتر سوره ها سرگذشت پیامبران به شیوه های گوناگون و اهداف متفاوت برای اهل بینش، تکرار شده، جز سرگذشت یوسف که فقط در همین سوره و بدون تکرار آمده است. نام مبارک یوسف در این سوره ۲۵ بار، در سوره انعام آیت ۸۴ یک بار و در سوره غافر (مؤمن) آیت ۳۴ یک بار آمده است.

محتوای این سوره همگی به هم پیوسته و فرازهای گوناگون داستان، نوزده قسمت مرتبط، گویا و شیوا و عمیق و شورانگیز است.

این سوره داستان فوق العاده جوانی است که در میان بنی نوع خود از زیباترین صورت، کامل ترین نیروی جسمانی برخوردار و زنی صاحب مقام و منصب او را به بردگی خریده بود. آن زن عزیز مصر به نام «فوطیفار» [تفاسیرمراغی و منار] با او خلوت می گزیند، در برابرش خود را خوار و بی مقدار می‌کند، تلاش دارد به شوهرش خیانت ورزد و می خواهد یوسف جوان را آلوده دامن کند. هرچند عادت چنان است که زنان شکار مردان می شوند؛ اما در این جا آن زن مصری (زلیخا) خلاف عادت، با ترندهای گوناگون تصمیم دارد، بهترین شکار را به دام اندازد، غافل از این که پشتیبان یوسف، ایمان راستین به الله آفریدگار جلت عظمت، است.

«سوره أحسن القصص»؛ جهت نامگذاری آن به «أحسن القصص: بهترین داستان‌ها» آن است که مشتمل بر شیرین ترین و پر عبرت ترین داستان به بیان گرفته می‌شود.

این سوره از سرگذشت تلخ و شیرین یوسف صدیق که نمونه کامل پاکی و عفت است، سخن می‌گوید. نخست از خواب دیدن و موقعیت او نزد پدر، دسیسه برادران، انداختنش در چاه کنعان و فروختنش در بازار مصر خبر می‌دهد، آن گاه به شرح حال او با ترفندهای زن عزیز مصر به نام «فوطیفار» [تفاسیرمراغی و منار] ماجرای زندان، برائت از اتهام، خواب دیدن پادشاه مصر و تعبیر آن، خشکسالی، رسیدنش به مقام وزارت دارائی، آمدن برادرانش به مصر و نگهداشتن بنیامین برادرش پیش خود و آوردن پدر و سایر اعضای خانواده اش از کنعان به مصر می‌پردازد.

سرانجام، عبرت گرفتن از صبر و شکیبائی از این قصص دل انگیز، اثبات رسالت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم دلداری او و بشارت به آینه بهتر پس از آن همه رنج و محنت آن سان که یوسف از زندان به کاخ راه یافت و...

زمان نزول سوره یوسف:

موقعیت زمانی نزول این سوره، پس از آن همه سختی و بحران که پیامبر خاتم از قریش دید و پس از وفات همسر بزرگوارش، خدیجه و کاکایش ابوطالب، (سال ۱۰ بعثت، سه سال قبل از هجرت به مدینه منوره و پنجاهمین سال عام الفیل) سوره یوسف، شرف نزول یافت. از آنجائی که سوره مکی است؛ سبک آن آرام، لذت بخش، آراسته به انس و الفت و رحمت و لطف و روانی و سلاست و دور از تهدید و هشدار می‌باشد، آن سان که شأن بیشتر سوره های مکی است.

بنابر یکی از روایات، سبب نزول این سوره این بود که اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم گفتند: کاش سوره‌ای بر ما نازل شود که در آن امر و نهی و حدود و احکامی نباشد. پس این سوره نازل شد.

تعداد آیات، کلمات و تعداد حروف سوره «یوسف»:

طوری که در بالا هم متذکر شدیم تعداد آیات سوره «یوسف» به صدویازده آیت (۱۱۱) و تعداد کلمات آن به هزار و هفت صد و هفتاد و شش کلمه (۱۷۷۶) و تعداد حروف آن به هفت هزار و هفتاد و شش حرف: (۷۷۶۶) می‌رسد. (التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، جلد ۴، صفحه ۵) (لازم به تذکر است که اقوال علماء در تعداد کلمات و حروف سوره یوسف، مختلف بوده که تفصیل این مبحث را می‌توانید در سوره «طور» همین تفسیر «تفسیر احمد» مطالعه فرمائید.

ارتباط سوره «یوسف» با سوره قبلی:

چون الله سبحانه و تعالی سوره «هود» را به ذکر داستان‌های پیامبران مرسل پایان داد، سوره «یوسف» را به بهترین نوع داستان‌گوئی از همان داستان‌های پیامبران آغاز کرد. (ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ج ۱۲، ص ۱۵۵).

معانی نام سوره:

نام یکی از پیامبران بزرگ الهی است.

یوسف:

یوسف علیه السلام فرزند یعقوب و نواسه اسحاق و فرزند سوم ابراهیم علیهم السلام می‌باشد. شخصیت والای یوسف علیه السلام در جهان ماندگار و جاودانه و سحرگهان و شامگاهان در صحیفه هستی ورد زبان هاست، نجابت و اصل و گوهره، پاکدامنی و خویشتنداری او در عنفوان جوانی، چون ستاره ای درخشان می‌تابد، نیروی ایمان و از دنیا گذشتن به خاطر آخرت و پاکدامنی اش، الگوی زنان و مردان است. البته این پاکدامنی جز به وسیله ایمان فعال و محکم و مواظبت از کیان شخصیت در نهان و آشکار ممکن نخواهد شد. یوسف، قهرمان پاکی، پارسائی و پرهیزگاری است که چون کوه در برابر زنی مقتدر و زیبا و هوسباز و دام گستر ایستادگی کرد و زندان را بر هوسبازی و کام گرفتن ترجیح داد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در وصف شخصیت یوسف و بیان نسب او می‌فرماید:
«الکریم ابن الکریم ابن الکریم ابن الکریم یوسف بن یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم».

از خصوصیت خاص سوره «یوسف»:

اینست که این سوره در تورات هم ذکر شده است.

سوره یوسف با حروف مقطعه (مقطعات) آغاز می‌یابد و از سوره رانیات است. رانیات سوره هائی هستند که با «الر» و طواسین سوره هائی هستند که با «طس» و «طسم» شروع شده اند. سوره های یونس، وهود، یوسف، ابراهیم و حجر را رانیات یا رأات می‌نامند.

ابن مردویه از انس (رض) روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند از رانیات تا طواسین را به جای انجیل به من عطا کرده است. (فتح القدیر، ج ۲، ص ۴۷۹).

سوره یوسف جزء سور مئین (صد آیتی ها) است. ابن قتیبه (رض) می‌فرماید: سور مئین سوره هائی هستند که بعد از سور طوال آمده اند علت نامگذاری این سوره ها به «مئین» نزدیک بودن تعداد آیت های این سوره ها به عدد صد می‌باشد. (زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۴، ص ۱۴۱) گفته شده این سوره ها عبارتند از «بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج و مؤمنون (دراسة حول القرآن الکریم، صفحه ۳۷). برخی دیگر نیز سور مئین را سوره های «توبه، نحل، هود، یوسف، کهف، بنی اسرائیل، انبیاء، طه، مؤمنون، شعراء و صافات» ذکر کرده اند. (التمهید فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱۳).

در روایتی از رسول الله صلی الله علیه وسلم نقل شده که فرمود: خداوند هفت سوره طوال را به جای تورات و سوره های مئین را به جای انجیل و سوره های مثانی را به جای زبور به من داد، و پروردگام مرا با دادن سوره های مفصل فزونی بخشید. (جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۴).

قابل تذکر است که سوره یوسف داستانی ترین سوره قرآن کریم می‌باشد که در هشتاد و هشت درصد آن تعلیمات زندگی حضرت یوسف علیه السلام بیان شده است. و طوری که یاد آور شدیم داستان این سوره از طولانی ترین و شیرین ترین داستان های قرآنی به شمار می‌آید.

نام دیگر این سوره: احسن القصص:

مفسران می‌نویسند که: الله متعال این سوره را «احسن القصص: نیکوترین داستان‌ها»، «آیات للسانین: نشانه‌های برای پرسشگران»، «عبرة لاولی الالباب: عبرتی برای خردمندان» و «تصدیق‌کننده کتب آسمانی قبل از قرآن» نامیده

است که این خود بیانگر شأن والا و اهمیت بالای این داستان می‌باشد. چنان‌که در این داستان از مواضع ابتلاء به سختی‌ها، ابتلاء به شهوات، ابتلاء به قدرت و بیان عاقبت همه اینها، به زیبایی و رسائی که فقط شایسته شأن کلام معجز حق تعالی است، بحث به عمل آمده است.

تعبیر «احسن القصص» سوره یوسف:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ»؛ (آیت: ۳: یوسف) ما بهترین سرگذشت‌ها را از طریق این قرآن (که به تو وحی کردیم) بر تو بازگو می‌کنیم؛ و مسلماً پیش از این، از آن خبر نداشتی!

سوره یوسف یا سوره «أَحْسَنُ الْقِصَصِ: بهترین داستان‌ها» و در آن برای اولوالالباب (صاحبان مغز و اندیشه) عبرتها بیان کرده است.

سوره یوسف دوازدهمین سوره، از سوره‌های مکی قرآن کریم است و طوری‌که در فوق هم یادآور شدیم؛ پرداختن به داستان زندگی حضرت یوسف علیه السلام به عنوان بهترین داستان‌ها، دلیل نام‌گذاری این سوره به «یوسف» است. داستان یوسف تنها داستان در قرآن است که از آغاز تا پایان آن، به صورت مفصل در یک سوره بیان شده است و به جز چند آیت پایانی تمام آیات این سوره به داستان یوسف اختصاص دارد.

علت این‌که این سوره به احسن القصص مسمی شده، اینست که در این سوره قصه‌ها با بهترین أسلوب و با نظم عجیبی بیان شده و در آن بهترین نکته‌ها و حکمت‌ها و عبرت‌ها ذکر شده که در سوره‌های دیگر بیان نشده است. داستان حضرت یوسف علیه السلام از جمله بهترین داستان‌های قرآنی به‌شمار می‌رود زیرا:

- بهترین درس زندگی در آن تشریح و توضیح شده؛
- حاکمیت اراده الله متعال را بر همه چیز؛
- بحث در مورد سرنوشت شوم حسودان؛ (درین سوره منظور حسودی برادران یوسف علیه السلام)
- ننگ بی عفتی همسر عزیز مصر و عظمت تقوای حضرت یوسف علیه السلام؛
- تنهایی يك كودك كم سن و سال در قعر چاه و نجات از آن؛
- و روزهای يك زندانی بی گناه را درسیاه چال زندان؛
- تجلی نور امید از پس پرده‌های تاریک یأس و ناامیدی؛
- عظمت يك حكومت وسیع و نجات از نعمت و رسیدن به اوج عزت که نتیجه آگاهی و امانت است.
- لحظاتی را که سرنوشت يك ملت با يك خواب پرمعنی دگرگون می‌شود و درس‌های بزرگی دیگر و سایر موضوعات علمی و آموزنده.

سیمای سوره یوسف :

قبل از همه باید یادآور شد که چنان‌چه گفته آمدیم نام حضرت یوسف، ۲۷ مرتبه در قرآن عظیم الشان تذکر رفته، که ۲۵ مرتبه آن در همین سوره است.

آیات این سوره، به هم پیوسته و در چند بخش جذاب و فشرده، داستان زندگی یوسف را از کودکی تا رسیدن او به مقام خزانه داری کشور مصر، عفت و پاکدامنی او، خنثی شدن توطئه‌های مختلف علیه او و جلوه‌هایی از قدرت الهی را مطرح می‌کند.

- داستان حضرت یوسف علیه السلام فقط در همین سوره از قرآن آمده، در حالی که داستان پیامبران دیگر در سوره های متعدّد نقل شده است.

داستان حضرت آدم و نوح هر کدام در دوازده سوره، داستان حضرت ابراهیم در هجده (۱۸) سوره، داستان حضرت صالح در یازده (۱۱) سوره، داستان حضرت داؤد در پنج (۵) سوره، داستان حضرت هود و سلیمان هر کدام در چهار (۴) سوره و داستان حضرت عیسی و زکریّا هر کدام در سه (۳) سوره ذکر شده است.

داستان حضرت یوسف در تورات، سفر پیدایش از فصل ۳۷ تا ۵۰ نیز نقل شده است، اما در مقایسه با آنچه در قرآن آمده، به خوبی اصالت قرآن و تحریف تورات معلوم می‌گردد.

قرآن عظیم الشان در داستان یوسف علیه السلام بیشتر به شخصیت خود او در گذر از کوران حوادث می پردازد، در حالی که در داستان پیامبران دیگر، بیشتر به سرنوشت مخالفان و لجاجت و هلاکت آنان اشاره نموده است.

نقش و تأثیرات داستان در تاریخ زندگی انسان:

۱- تاریخ، آزمایشگاه مسایل گوناگون زندگانی بشر است. آن چه که انسان در ذهن خود از روی دلایل عقلی ترسیم می‌کند، در صفحه تاریخ و به شیوه داستان - به صورت عینی - می بیند.

۲- داستان، جاذبه مخصوصی دارد و انسان از دوران کودکی تا زمان پیری و کهنسالی از این جاذبه ممتاز، متأثر و پندپذیر می‌شود و شاید پیش از عقل، احساس و مسایل حسی او را تحت تأثیر قرار دهد.

۳- داستان برای همگان قابل درک و فهم است، از این رو قرآن در بیان این همه تاریخ و داستان، بهترین راه را از جهت تعلیم و تربیت طی کرده است.

شان نزول سوره « یوسف »:

روایت شده است که یهود درباره یوسف و ماجرای او با برادرانش از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال کردند، آنگاه سوره یوسف نازل شد.

زندگی نامه حضرت یعقوب علیه السلام:

مؤرخان در مورد زندگینامه وی می نویسند: یعقوب علیه السلام در سرزمین کنعان (فلسطین) چشم به جهان گشوده و در حمایت پدرش اسحاق بزرگ شد.

مادرش رفقہ دختر بتوئیل پسر ناحور پسر آزر است که مؤرخان او را (تارج) می‌گفتند. ناحور برادر ابراهیم علیه السلام بود یعقوب پدر اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل است. نسب بنی اسرائیلیان به او می‌رسد.

یعقوب به (اسرائیل) موسوم بود. خداوند متعال می‌فرماید: «كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ جَلًّا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ نُزِّلَ التَّوْرَةُ فَمَنْ قَاتُوا بِالتَّوْرَةِ» (آل عمران: ۹۳). همه غذاها بر بنی اسرائیل حلال بود، جز آنچه اسرائیل پیش از نزول تورات بر خود حرام کرده بود.

نزد اهل تورات معروف است که خداوند او را اسرائیل نام نهاد و در زبان عبری به معنای روح الله است. مقصود این است که بدانیم اسرائیل نام یعقوب است. چنان‌که توضیح دادیم و قوم یهود به او نسبت داده می‌شوند.

مادرش (رفقه) به او دستور داد به نزد ربیبه اش (لابان) که در (فدان آرام) بخشی از سرزمین بابل عراق، زندگی می‌کرد، سفر کند و نزد او بماند. چون از برادرش (العیص) می‌ترسید که ضرر و صدمه‌ای بر او وارد کند. زیرا او را

تهدید کرده بود. یعقوب به قصد دیدار دایه‌اش (پرستار) از فلسطین خارج شد، شب هنگام در جائی خوابید در خواب دید که ملائکه از آسمان فرود می‌آیند و دوباره صعود می‌کنند، خدا را در خواب دید که خطاب به او گفت: «من برکت را بر تو خواهم فرستاد و ذریه‌ی تو را فراوان خواهم کرد و این سرزمین را برای تو و نوادگان تو قرار خواهم داد». چون از خواب بیدار شد، خوشحال گشت و نذر کرد در جائی که این رؤیا را در آن دیده معبدی بنا کند. به سوی سنگی رفت و آن را نشانه کرد، تا در آینده آن را بشناسد. بعدها این مکان به بیت ایل یعنی بیت الله موسوم گردید. این مکان بیت المقدس کنونی است که بعدها یعقوب آن را بنا نهاد. بعد سفر خود را ادامه داد تا به سرزمین دایه‌اش عراق رسید. دایه‌اش دو دختر داشت به نام‌های «لینه» (که «لیا» هم گفته می‌شد و دختر بزرگ بود) و «راحیل» که دختر کوچک بود. یعقوب دختر کوچک را که زیباتر بود خواستگاری کرد. دایه به شرط این‌که یعقوب هفت سال نزد او بماند و احتشام او را به چرا ببرد با ازدواج او با دخترش موافقت کرد. چون مدت زمان مقرر سپری شد، دایه طعمی درست کرد و مردم را دعوت نمود و شب دست دختر بزرگش لینه را گرفت و تحویل یعقوب داد. صبح هنگام یعقوب متوجه شد که دایه دختر بزرگ را (که بدمنظر و چشم ضعیف بود) به عقد او درآورده ناراحت شد و نزد دایه رفت و گفت: چرا به من خیانت ورزیدی مگر من راحیل را درخواست نکرده بودم؟ گفت: سنت ما چنین نیست که دختر کوچک را قبل از دختر بزرگ شوهر دهیم. اگر دوست داری با راحیل ازدواج کنی هفت سال دیگر برایم چوپانی کن او را نیز به تو خواهم داد. او هفت سال دیگر به عنوان چوپان نزد دایه ماند در مقابل، او هم راحیل را به عقد نکاح او در آورد. در شریعت آن‌ها ازدواج با دو خواهر به صورت همزمان جایز بود. بعدها در تورات حرام گردید. چنان‌که در شریعت اسلامی نیز حرام است.

لابان به هر کدام از دختران خویش کنیزی بخشید. زلفی را به لینه و بل‌ها را به راحیل عطا کرد. آن‌ها هم کنیزک‌های خود را به یعقوب هدیه کردند. بدین ترتیب یعقوب صاحب چهار همسر شد و دوازده فرزند او که به اسباط شهرت دارند از آن چهار زن تولد یافته‌اند.

لینه صاحب ۶ فرزند به نام‌های (۱- روبیل، ۲- شمعون، ۳- لاوی، ۴- یهوذا (یهودا)، ۵- ایساخر، ۶- زابلون) بود، بزرگترین آن‌ها روبیل بود. حضرت موسی از نسل لاوی به دنیا آمد. کلمه یهود از یهوذا، نام یکی از فرزندان یعقوب اخذ شده است.

راحیل دو فرزند به نام‌های یوسف و بنیامین داشت.

بل‌ها کنیز راحیل، صاحب دو فرزند به نام‌های دان و نفتالی شد.

زلفی نیز صاحب دو فرزند به نام‌های جاد و اشیر شد. بدین ترتیب فرزندان یعقوب به دوازده تن رسید. هر کدام از فرزندان یعقوب پدر سبطی از اسباط دوازده‌گانه بنی اسرائیل به شمار می‌روند.

مؤرخان می‌نویسند: همه فرزندان یعقوب جز بنیامین در عراق متولد شده‌اند. اما بنیامین در سرزمین کنعان (فلسطین) به دنیا آمد. (پیغمبری و پیغمبران در قرآن کریم مؤلف شیخ علی صابونی (عقرب) ۱۳۹۴ شمسی، ۱۴۳۶ هجری).

ادامه دارد